

نقش تعدیل کننده مؤلفه های خود شفقتی در ارتباط بین روان رنجور خویی و علائم افسردگی

احسان طولابی^۱، بهمن پیرمردوند چگینی^۲، توفیق ابوغیبش^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده ی روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

۲. کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده ی روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران.

۳. کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده ی روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.

فصلنامه راهبردهای نو در روان شناسی و علوم تربیتی، دوره دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۹، صفحات ۵۵-۳۵

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی نقش تعدیلی مؤلفه های خود شفقتی در ارتباط بین روان رنجور خویی و علائم افسردگی در نوجوانان بود. طرح پژوهش اکتشافی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش را تمام دانش آموزان مدارس مقطع متوسطه دوره ی اول شهر خرم آباد در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ تشکیل می دادند که از میان آنها ۲۰۳ نفر در یک دوره ی ۳ ماهه به شیوه ی نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند که ابزارهای پژوهش حاضر یعنی پرسشنامه های شخصیت نوجوانان آیزنک (JEPQ)، مقیاس خود شفقتی (SCS) و پرسشنامه افسردگی بک (BDI-II) برای جمع آوری اطلاعات به آنها داده شد. داده ها با استفاده از رگرسیون چند متغیره ی تعدیلی تحلیل گردیدند. نتایج نشان داد که روان رنجور خویی با علائم افسردگی همبستگی مثبت معنی دار دارد. همچنین مهربانی نسبت به خود، همبستگی منفی و بیش همانندسازی همبستگی مثبت با علائم افسردگی دارد. قضاوت خود و انزوا، همبستگی مثبت با علائم افسردگی دارد. علاوه بر این، اشتراکات انسانی و ذهن آگاهی، همبستگی منفی با علائم افسردگی دارند. نتیجه تحلیل رگرسیون نشان داد که ذهن آگاهی و اشتراکات انسانی تنها متغیرهایی هستند که توان تعدیل رابطه ی روان رنجور خویی با علائم افسردگی را دارند. بر اساس یافته های این پژوهش رابطه ی بین روان رنجور خویی و علائم افسردگی، رابطه ی ساده ی خطی نیست و مؤلفه های خود شفقتی می توانند این رابطه را تعدیل نمایند.

واژه های کلیدی: خود شفقتی، علائم افسردگی، روان رنجور خویی.